

۱. اهمیت روایت «تحف العقول» نزد فقها در بیان ضوابط کلی کسب، دلیلی نقلی بر «تأسیسی بودن» مکاسب (نفی امضایی بودن)

در چند جلسه گذشته درصدد استنباط اجمالی ضوابط و دسته‌بندی کلی کسب از روایات بودیم و از این رهگذر، روایت محدث نعمانی (در کتاب بحار الانوار) و روایت تحف العقول که در ابتدای کتاب مکاسب محرمة آمده مورد بررسی قرار گرفت. با مراجعه به دروس خارج فقهای دیگر در باب «مکاسب»، ظاهراً آقایان نیز در ابتدای ورود به این بحث، به نقد و بررسی سند و دلالت روایت تحف العقول پرداخته‌اند که نشانگر کم نظیر بودن متن این روایت در بیان ضوابط کلی کسب است.<sup>۱</sup>

البته آقایان در مقدمه درس خارج مکاسب، در کنار بحث و بررسی نسبت به این روایت، معمولاً به بررسی چند مطلب دیگر نیز می‌پردازند (که در جلسه چهارم ما نیز متذکر شدیم)، از جمله: «تأسیسی یا امضایی بودن معاملات»،

۱. بخش‌هایی از درس خارج فقه حجت الاسلام و المسلمین شیخ جواد فاضل لنکرانی: «در اولین روایتی که مرحوم شیخ به عنوان اخبار عامه نقل فرمودند ضوابطی برای معاملات حلال و معاملات حرام وجود دارد. این روایت تحف العقول است که اگر بتوانیم سند این روایت را تصحیح کنیم، می‌توانیم در فقه، مخصوصاً در مباحث مستحدثه و در فروع جدید از این روایت تحف العقول زیاد استفاده کنیم و فقیه می‌تواند به کلیات و ضوابطی که در این روایت وجود دارد استناد کند. اما اگر نتوانیم سند این روایت را تصحیح کنیم دیگر دست ما از ضوابط موجود در این روایت کوتاه می‌شود و انصافاً دچار یک سری مشکلات می‌شویم...». «این روایاتی که مرحوم شیخ انصاری آوردند، عنوان «ضابطه» دارد، اگر از نظر سندی برای ما قابل اعتماد باشد، باید به این روایات عمل کنیم و خیلی راه برای ما باز می‌شود. این حدیث (روایت تحف العقول) را ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حلبی یا حرانی صاحب کتاب تحف العقول در کتاب شریف تحف العقول آورده، صاحب کتاب این حدیث را مرسل از امام صادق (علیه السلام) نقل فرموده... کلمات علماء در مورد این حدیث: اولاً خود مرحوم شیخ انصاری با نقل این روایات در اول کتاب و موارد متعددی که در کتاب مکاسب محرمة است به این روایت تحف العقول استناد فرموده، ثانیاً صاحب جواهر به این روایت در موارد متعدد استناد فرموده. مرحوم محقق نائینی در کتاب منیة الطالب، (که مباحث معاملات مرحوم نائینی تقریر شده است) موارد متعددی به این روایت استناد فرموده. صاحب کتاب عروه، مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی در حاشیه‌ای که دارند می‌فرمایند: از این روایت آثار صدق هویدا است و تعابیر و ضابطه‌هایی که در آن وجود دارد گواه صدق آن است. علاوه بر آن، تعبیری که از کتاب روضات الجنات نقل کردیم که آنجا فرموده: «معتمد علیہ عند الاصحاب» است. امام خمینی (رضوان الله علیه) نیز در کتاب مکاسب المحرمة فرمودند: این روایت از سایر روایات آخفی سنداً و أوضح دلالة هست... پس اگر بتوانیم سند این روایت را تصحیح کنیم، می‌توانیم در فقه، مخصوصاً در مباحث مستحدثه و در فروع جدید از این روایت تحف العقول زیاد استفاده کنیم و فقیه می‌تواند به کلیات و ضوابطی که در این روایت وجود دارد استناد کند...». «در مورد سند روایت، چون متأسفانه شهرت بین القدماء، برای عمل به این روایت وجود ندارد - شاید شهرت بین المتقدمین باشد ولی اعتباری ندارد - تلاش ما این است که بگوییم این روایت، موثوق الصدور است و اطمینان به صدورش از امام علیه السلام داریم، لذا اشکالاتی را که دیگران برای متن روایت ذکر کرده بودند (مانند: مسأله تعقید، مسأله عدم افتاء به بعضی از فقرات روایت، تقسیم محصلی ندارد، تعارض، یا این بحث اخیر) بیان کردیم و ملاحظه فرمودید که هیچ کدام وارد نیست... پس می‌توانیم به عنوان مستند فقهی به این روایت استناد کنیم مثل مرحوم نراقی که استناد کرده، صاحب جواهر استناد کرده، شیخ انصاری استناد کرده، مرحوم نائینی استناد کرده، مرحوم سید یزدی استناد کرده، فحولی از فقها به این روایت استناد کرده‌اند و ما هم می‌توانیم استناد بکنیم و بگوییم این روایت برای فقیه قابل استناد است». برگرفته از جلسه اول، دوم و پنجم درس خارج فقه (بخش مکاسب محرمة) حجت الاسلام و المسلمین شیخ جواد فاضل لنکرانی در مورخ ۲۰، ۲۱ و ۲۶ شهریور ۱۳۸۴.

«وضعی یا تکلیفی بودن احکام کسب در روایات» و «تقسیم مکاسب به ثلاثی (حرم، مکروه، مباح) یا خماسی».  
گرچه اگر سند و دلالت این روایت اثبات شود باید علی القاعده حکم به تأسیسی بودن مکاسب و معاملات داد.<sup>۱</sup>

۱/۱. نقش «روایات فقهی در مسایل جزئی هر بخش از مکاسب» برای دستیابی به «درک تفصیلی» از ضوابط کلی کسب

ضمنا توجه ما به روایت تحف العقول و روایت محدث نعمانی، برای استنباط «اجمالی» (و غیر مبهم) ضوابط کلی کسب و معاملات است که ظاهرا این نوع جمع‌بندی جامع و کامل فقط در این چند روایت آمده است. اما قطعاً برای بدست آوردن «درک تفصیلی» این ضوابط کلی، بررسی روایات فقهی در تمام موضوعات و مسایل جزئی هر بخش از معاملات، ضرورت دارد.<sup>۲</sup>

۱/۲. اثبات وجود «کسب واجب» بر اساس «تأسیسی بودن» مکاسب و انتزاعی بودن (غیر واقعی) فرض «اختلال نظام کسب در فرض واجب کفایی بعضی از مکاسب»

نکته دیگر این است که بر اساس تأسیسی بودن باب مکاسب، باید قایل به «مکاسب واجب و مکاسب مستحب» نیز بود. مرحوم شیخ انصاری نیز در انتهای مقدمه کتاب مکاسب محرمه نسبت به ثلاثی بودن احکام مکاسب یا خماسی بودن آن به صورت مختصر می‌فرماید:

«قد جرت عاده غیر واحد علی تقسیم المكاسب الی محرم و مکروه و مباح، مهملین للمستحب و الواجب؛ بناء علی عدم وجودهما فی المكاسب، مع امکان التمثیل للمستحب بمثل الزراعه و الرعی مما ندب الیه الشرع و للواجب بالصناعه الواجبه کفایه، خصوصا اذا تعذر قیام الغیر به، فتامل».

در نقد این ادعای مرحوم شیخ<sup>۳</sup> بعضی از فقهای که مکاسب واجب را نفی می‌کنند، این دلیل را می‌آورند که اگر حکم کسب واجب نسبت به شغلی آمده باشد و علت و وجوب آن نیز این باشد که اگر کسی عهده‌دار این امور نشود زندگی مردم مختل می‌شود، پس باید حتی به صورت رایگان نیز انجام گیرد. آن وقت اگر این واجبات کفایی (آنچه که زندگی مردم به آن تقوم دارد، مانند طبابت، نانوائی و...) به صورت رایگان انجام گیرد، باعث اختلال در زندگی کسبه می‌شود. فکیف الجمع بینهما؟! در پاسخ باید توجه داشت زمانی کسبی، واجب کفایی می‌شود که نیاز اصلی مردم باشد و قطعاً مردم برای دستیابی به نیازمندی‌های خود «هزینه» می‌کنند، لذا در عینیت این ادعا که «ممکن است مردم به طیب یا نانوا یا بنا و غیره (شغل‌های واجب) پول ندهند و در این صورت آنها باید رایگان انجام دهند»، بی‌معنا و بی‌مصدق است. البته همیشه در

---

۱. البته حتی فقهای که سند و دلالت این روایت را صحیح دانسته‌اند متأسفانه بحث مکاسب خود را بر اساس دسته‌بندی و ضوابط کلی این روایت یا روایت محدث نعمانی نیاورده‌اند و غالباً با رویکرد عقلایی به این روایت، دسته‌بندی و ضوابط کلی مکاسب را ذکر کرده‌اند.

۲. البته اگر روش و رویکرد اصولی ما به این دو روایت درست باشد علی القاعده بعد از بررسی روایات تفصیلی و موضوعی هر بخش، نباید این «درک اجمالی» نقض گردد که در این صورت، نشان از ضعف روشی و اصولی ما در برخورد با این دو روایت دارد.

۳. همان‌طور که در جلسه سوم مطرح شد، این احکام پنجگانه در وعای التزام معنا دارد اما در وعای تحقق معنا ندارد. یعنی در مقام تشریح (التزام)، چون مخاطب مأمور به، انسان «مختار» است شارع مقدس برای او مجموعه‌ای از عملکرد را فرض گرفته (از واجب و حرام تا کراهت و مستحب) تا «اختیار» او نفی نشود. به عبارت دیگر، حد واجب و حد حرام تشریح شده است تا حد ورود یا خروج از مرز تعبد را نشان دهد و برای چگونگی حرکت انسان مختار در این محدوده، شارع مقدس با تشریح مستحبات و مکروهات، شرایط و محیط رقابت و سرعت در رشد را مهیا نموده است. اما در مقام تحقق این تشریحات، یا آنچه انجام می‌شود مطلوب شارع است و باعث تقرب می‌گردد یا مغبوض شارع که باعث بُعد می‌گردد. لذا در مقام تحقق، «مباح، مستحب، مکروه و...» بی‌معناست. به عبارت دیگر در تحقق، یا فعل محقق می‌شود یا عدم فعل و انجام فعل یا عدم انجام آن متناسب با ظرفیت و شرایط متفاوت خواهد بود.

جامعه فقرا و نیازمندی‌ها وجود دارند که درآمدی برای تهیه نیازمندی‌های خود ندارند اما این قشر نیز با دریافت درآمد از طریق بخش «صدقات» (که احکام و ضوابط آن در روایات آمده است)، هزینه خرید و تهیه نیازمندی‌های خود را می‌دهند. همچنین در موارد نادر که جامعه اسلامی دچار قحطی یا جنگ یا بحران شود و اکثر مردم درآمدی نداشته باشند، هزینه و درآمد صاحبان مکاسب واجب را حاکمیت از بیت‌المال پرداخت می‌کند. بنابراین وجود مکاسب واجب، منافاتی با کسب درآمد صاحبان این مشاغل ندارد.<sup>۱</sup>

## ۲. بیان احتمال آخر در تعریف اقسام کسب و تفاوت آنها، با تکیه به «مناط» بیان شده در روایت محدث نعمانی و جمع دلالتی آن با روایت تحف العقول

در ادامه بیان احتمالات در تعریف اقسام کسب و معاملات و تفاوت هر بخش با دیگری، می‌توان براساس این عبارت ظریف در روایت محدث نعمانی (ذکر شده در کتاب بحار الانوار) به معیاری دقیق‌تر رسید: (وَ أَمَّا وَجْهُ الصَّدَقَاتِ فَإِنَّهَا هِيَ لِأَقْوَامٍ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْإِمَارَةِ نَصِيبٌ وَلَا فِي الْعِمَارَةِ حِطٌّ وَلَا فِي التَّجَارَةِ مَالٌ وَلَا فِي الْإِجَارَةِ مَعْرِفَةٌ وَ قُدْرَةٌ). در توضیح، باید به چند نکته توجه داشت:

۱. به نظر می‌رسد این روایت (که متن کامل آن در جلسه سوم مورد بررسی قرار گرفت) نسبت به بیان ضوابط کلی کسب، از روایت تحف العقول جامع‌تر باشد. مضافاً اینکه این روایت مستند به قرآن کریم نیز هست؛ یعنی امیرالمؤمنین (ع) در تفسیر و توضیح بعضی از آیات قرآن این بیان مفصل را فرموده‌اند.

البته با توجه به مقدم کردن کشاورزی (که روایات بسیاری در مستحب بودن این شغل آمده) بر دیگر بخشها، این احتمال تقویت می‌شود که حضرت به ترتیب طبقه‌بندی ارزشی اقسام کسب، آنها ذکر کرده‌اند.

۲. در این عبارت فوق، حضرت برای بیان افرادی که شامل بخش «صدقات» می‌شوند، کلماتی را می‌فرماید که در واقع «مناط و معیار» اجمالی برای هر بخش از مکاسب است: کسانی که «نصیبی» از دستگاه ولایت و حاکمیت ندارند (یعنی جزو کارگزاران حاکمیتی نیستند) و «حِطُّ» (به معنای زمین و مقدورات) از کشاورزی و زراعت ندارد و «مال و ثروتی» برای کار تجارت ندارد و برای پرداختن به کار اجاره (شامل بخش اجارات و صناعات)<sup>۲</sup>، «مهارت و قدرت» ندارد.

---

۱. البته براساس رویکرد حکومتی به احکام و فقه، باید توجه داشت ابزار حاکمیت برای تحقق مطلوبیت‌ها (واجب و مستحب) و منهی‌ها (حرام و مکروه)، حکم کردن به اشخاص نیست بلکه با تغییر «تخصیص‌ها»، به صورت طبیعی اکثر جامعه به طرف انجام مکاسبی سوق پیدا می‌کنند و مکاسبی نیز منزوی می‌شوند. یعنی وقتی حقوق و مزایا و تسهیلات نسبت به بعضی از شغل‌ها زیاد می‌شود اکثر افراد جامعه به طرف انجام آن شغل‌ها سرازیر می‌شوند. لذا اوامر و نواهی حکومتی، بوسیله «مدل، تخصیص، شاخصه، آمار و...» محقق می‌گردد. به طور مثال در درگیری با نظام استکبار در موضوع «فناوری هسته‌ای»، وقتی چند دانشمند هسته‌ای شهید می‌شوند و غیرت عمومی مردم برانگیخته می‌شود و این شهدا و خانواده‌هایشان از سوی رهبر نظام مورد تجلیل قرار می‌گیرند، موجی از انتخاب و تغییر رشته دانشجویان به سمت رشته «فیزیک هسته‌ای» اتفاق می‌افتد؛ بدون اینکه اوامری در این موضوع مطرح گردد! بنابراین مطلوبیت‌های نظام اسلامی به این صورت (بدون بیان امر یا نهی صریح) محقق می‌شود. گرچه در موضوعات خاص که حفاظت از بیضه اسلام و جهاد در مقابل مقابله با حمله کفار و منافقین باشد، رهبر جامعه اوامر و نواهی صریح و موردی نیز دارد اما در شرایط عادی و برای تکامل و رشد جامعه اسلامی، جنس اوامر و نواهی حکومتی با ایجاد شرایط و از طریق تغییر در تخصیص‌ها در برنامه اداره و طراحی آیین‌نامه‌های اجرایی آن محقق می‌گردد.

۲. در توضیح این روایت (جلسه سوم) بیان شد که آن‌چه در عنوان «صناعات» (در روایت تحف العقول) آمده بود، در این روایت تحت تقسیمات «اجاره» آمده است؛ زیرا ظاهراً عنوان «اجاره» در این روایت، به معنای اعم گرفته شده است یعنی: «هر کاری برای رفع نیاز دیگران، چه به صورت مستقل و چه به صورت اجیر شدن». بنابراین در این روایت، «صناعات» جزء اقسام درونی «اجاره» (به معنای عام) قرار گرفته، گرچه در روایت تحف العقول به صورت مستقل آمده است.

۳. پس بر اساس این عبارت و با توجه به جمع دلالتی با روایت تحف العقول (مخصوصاً در بخش صناعات) می‌توان در بیان حد و حدود تعریف اقسام کسب این معیار ذیل را ارایه داد:

- معیار «محوری» سبب معیشت
۱. اماره (ولایت): کارگزار حکومت بودن و زیردستان آن
  ۲. عماره (کشاورزی): داشتن زمین زراعی
  ۳. تجارت: داشتن ثروت و پول برای داد و ستد
  ۴. صناعات: داشتن مهارت و قدرت انجام آن
  ۵. اجارات: قدرت داشتن برای کار کشاورزی (بدون داشتن زمین کشاورزی) یا کار تجاری (بدون داشتن ثروت برای تجارت) یا کار تولیدی (بدون داشتن مهارت کافی)
  ۶. صدقات: نداشتن موارد فوق برای امرار معاش

۴. براساس این احتمال، صاحب صناعات از طریق فروش چیزی که می‌سازند کسب معاش می‌کنند و لذا فروش محصول تولیدی خود در بخش تجارت قرار نمی‌گیرد (برخلاف احتمال بیان شده در جلسه قبل).

به نظر می‌رسد بیان احتمالات برای حدود و تعریف اقسام کسب کفایت کند و به مرور زمان با بررسی مباحث کتاب مکاسب و بیان روایات مطرح شده در آن، احتمال کامل و جامع مشخص خواهد شد.